

شناسایی مصادیق نافرمانی مدنی در جنبش‌های اجتماعی معاصر ایران (۱۳۵۷-۱۳۶۹ ه.ش)

حسین معین آبادی^۱

استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و الهیات دانشگاه شهید باهنر کرمان

معین مهربان

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱/۲۲ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۴/۲۵)

چکیده

نافرمانی مدنی مفهومی چندسویه و پیچیده در علوم سیاسی است. ویژگی‌هایی چون اعتراض سیاسی، عمومی و آگاهانه بودن، نقض قانون و عدم خشونت براساس تعاریف دانشوران به‌عنوان ویژگی‌های عام و کلی نافرمانی مدنی شناسایی شده است. آنچه در خصوص مفهوم نافرمانی مدنی و در بررسی آن در حوزه جنبش‌های اجتماعی حائز اهمیت است، توجه به شیوه‌های اقدامی است که نافرمانی مدنی به‌عنوان ماهیت آنها تلقی می‌شود. هدف پژوهش حاضر، ردیابی مفهوم نافرمانی مدنی در حوزه جنبش‌های اجتماعی ایران معاصر است. این پژوهش براساس هدف توصیفی-اکتشافی تعریف شده و در آن از منابع اسنادی-کتابخانه‌ای برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است. پژوهشگران به‌منظور پاسخ دادن به این پرسش که «مصادیق نافرمانی مدنی در جنبش‌های اجتماعی ایران معاصر کدام‌اند؟»، به شناسایی «خزانه جنبش‌های اجتماعی ایران معاصر مبادرت ورزیده‌اند. براساس یافته‌های پژوهش، شیوه‌های اقدام مؤثر به‌کارگرفته‌شده در خلال جنبش‌های اجتماعی ایران یعنی تحریم، تحصن، اعتصاب و تظاهرات خیابانی دارای ویژگی‌های نافرمانی مدنی عام یعنی عمومی، آگاهانه، قانون‌شکنانه و غیرخشونت‌آمیز بودن، هستند. ضمن اینکه از این دیدگاه، شیوه اقدام اعتصاب بیشترین تطابق را با مفهوم نافرمانی مدنی دارا بوده است.

واژه‌های کلیدی

اعتراض سیاسی، امتناع از خشونت، جنبش‌های اجتماعی، جنبش‌های اجتماعی ایران معاصر، خزانه جنبش، شیوه‌های اقدام، نافرمانی مدنی.

مقدمه

نافرمانی مدنی^۱ از مفاهیم موجود در عالم سیاست است که توجه بسیاری از پژوهشگران را جلب کرده است. درباره مفهوم نافرمانی مدنی می‌توان گفت «نافرمانی مدنی مفهومی پیچیده و چندسویه در فرهنگ سیاسی است» (محبی، ۱۳۸۲: ۱۳۸). فرهنگ لغات آکسفورد نافرمانی مدنی را چنین تعریف می‌کند: «تبعیت نکردن از قانونی که غیرعادلانه تلقی می‌شود، به‌عنوان شکلی از اعتراض مسالمت‌آمیز سیاسی» (www.oxforddictionaries.com). با وجود چنین تعاریفی از مفهوم نافرمانی مدنی، شناسایی مصادیق آن در عرصه عمل پژوهشگر را دچار چالش می‌کند. «خاستگاه مفهوم نافرمانی، حوزه جنبش‌های اجتماعی^۲ است» (رحمانی و مختاری، ۱۳۹۴: ۹۰). نافرمانی مدنی در این زمینه با شیوه‌های اقدام به‌کارگرفته‌شده در جریان جنبش‌های اجتماعی پیوند دارد. ایران در دوران معاصر دستخوش تحولات سیاسی اجتماعی گوناگون بوده است. وقوع جنبش‌های اجتماعی متعدد مانند جنبش تنباکو، انقلاب مشروطه، نهضت ملی‌سازی صنعت نفت و انقلاب اسلامی گواه این مدعاست. هدف پژوهش حاضر، ردیابی مفهوم نافرمانی مدنی در حوزه جنبش‌های اجتماعی ایران معاصر است، از این‌رو پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی-اکتشافی و استفاده از منابع اسنادی-کتابخانه‌ای، درصدد پاسخگویی به این پرسش است که مصادیق نافرمانی مدنی در جنبش‌های اجتماعی ایران معاصر کدام‌اند؟

در خصوص پیشینه پژوهش در مورد نافرمانی مدنی می‌توان به آثار زیر اشاره کرد: تورج رحمانی و علی مختاری در مقاله‌ای با عنوان «نافرمانی مدنی، ایده‌ای برای عبور از بن‌بست نظری لیبرالیسم» (۱۳۹۴) معتقدند که نافرمانی مدنی به سطح نظریه سیاسی در نظام‌های لیبرال دموکراتیک گذار کرده است. سید جواد ورعی در مقاله «بررسی مفهومی بغی، محاربه و نافرمانی مدنی» (۱۳۹۴) ضمن نشان دادن تفاوت این مفاهیم، نافرمانی مدنی را حق و تکلیف شهروندی تلقی می‌کند. بهرام محبی در مقاله‌ای با نام «جستاری درباره نافرمانی مدنی» (۱۳۸۲) سعی در تبیین مفهومی نافرمانی مدنی و بستر تاریخی ظهور و صور گوناگون بروز آن دارد. پژوهش حاضر، سعی دارد با تمرکز بر شیوه‌های اقدام به‌کارگرفته‌شده در بستر جنبش‌های اجتماعی ایران، یعنی جنبش تنباکو، انقلاب مشروطه، جنبش ملی‌سازی صنعت نفت و انقلاب اسلامی، این شیوه‌ها را با مفهوم نافرمانی مدنی تطبیق دهد. تاکنون پژوهش مستقلی در این زمینه صورت نگرفته است و به‌نظر می‌آید این تحقیق از لحاظ پرداختن به این مفهوم در زمینه جنبش‌های اجتماعی ایران معاصر، منحصر به فرد باشد.

-
1. Civil disobedience
 2. Social movements

چارچوب مفهومی - نظری

مفهوم نافرمانی مدنی

تعبیر نافرمانی مدنی اولین بار از سوی هنری دیوید ثورو^۱ به کار رفت. ثورو در سال ۱۸۴۶ میلادی، استتکاف از پرداخت مالیات را به عنوان روشی برای اعتراض به حکومت وقت ایالات متحده آمریکا برگزید و به دلیل این «نافرمانی» به زندان افتاد. وی پس از آزادی از زندان مقاله مفصلی را با نام «دفاعیه حقوق فردی در برابر اقتدار حکومتی»^۲ به رشته تحریر درآورد که بعدها به *نافرمانی مدنی* مشهور شد (ثورو، ۱۳۹۴: ۲۴-۹).

درباره نافرمانی مدنی دانشوران حوزه‌های مختلف تعاریف مختلفی ارائه کرده‌اند. رکز مارتین^۳ در پاسخ به پرسشی درباره چستی نافرمانی مدنی، این تعریف را از کنش معطوف به نافرمانی مدنی ارائه می‌دهد: «سرپیچی عمومی از فرمان یک نهاد سیاسی عالی به این منظور که آن فرمان ناعادلانه، غیراخلاقی، متناقض با قانون اساسی یا متضاد با منافع عمومی است» (Martin, 1970: 126). در این تعریف مارتین از نافرمانی مدنی، دو ویژگی بارز است، نخست عمومی بودن و دیگری معطوف به هدف بودن، که می‌توان از دومی به آگاهانه بودن نیز تعبیر کرد. ماریا ژوزه فالکونی تالا^۴ نافرمانی مدنی را چنین تعریف می‌کند: «عمل آگاهانه و عمدی، عمومی^۵ و جمعی^۶ شکست یک عرف قانونی^۷، معمولاً با استفاده از ابزار و روش‌های صلح‌آمیز^۸ با اتکا به اصول اخلاقی، درحالی‌که مجازات [ناشی از عمل] پذیرفته شده است» (Falcon Y Tella, 2004: 305). انگیزه اخلاقی کنش معطوف به نافرمانی مدنی نیز از این تعاریف کاملاً هویداست. عملی که با قصد اعتراض سیاسی صورت می‌گیرد و ماهیتی سیاسی دارد.

دسته‌بندی نافرمانی مدنی به دو گونه نافرمانی مدنی مستقیم و غیرمستقیم، شایع‌ترین تقسیم‌بندی حول این مفهوم است. هنگامی‌که قانون مورد نافرمانی، همان قانونی است که مورد اعتراض قرار گرفته، نافرمانی مستقیم است. نافرمانی غیرمستقیم، نافرمانی از قانون دیگری است، در عوض قانونی که مورد اعتراض واقع شده است. برای مثال، نقض عمدی یک قانون در تلاش برای اعتراض به سیاست‌های حکومت که به طور مستقیم با قانون نقض شده در ارتباط نیستند. توجیه نافرمانی غیرمستقیم بسیار دشوارتر از شکل مستقیم نافرمانی است. میزان

1. Henry David Thoreau

۲. عنوان اصلی مقاله *On the Relation of the Individual to the State* است که نخستین بار در ۱۴ مه ۱۸۴۹ با عنوان «Resistance to Civil Government» در مجله *Aesthetic Papers* در بوستون به چاپ رسید.

3. Rex Martin

4. Maria Jose Falcon Y Tella

5. Public

6. Collectively

7. Legal rule

8. Peaceful means

دشواری این توجیه به این مطلب بستگی دارد که قانون شکسته شده، چگونه با موضوع مورد اعتراض در ارتباط است (Cohen, 1966: 4-5). مجاز شمردن نافرمانی غیرمستقیم، موجب گستردگی دامنه مفهوم نافرمانی مدنی در جریان پژوهش در مورد کنش‌های اعتراضی در جنبش‌های اجتماعی می‌گردد. دونالدلا دلاپورتا^۱ و ماریو دیانی^۲ در پژوهش خود درباره جنبش‌های اجتماعی به بحث منطق و اشکال اعتراض می‌پردازند. آنها نافرمانی مدنی را ذیل منطق شهادت دادن، بررسی می‌کنند و می‌نویسند: «شهادت دادن در وهله اول از طریق مشارکت در اعمالی که خطرها و هزینه‌های مشخص جدی در بردارند، بیان می‌شود. نافرمانی مدنی یا به عبارت دیگر نقض عمدی قوانینی که ناعادلانه تلقی می‌شوند، مبتنی بر این منطق است» (دلاپورتا و دیانی، ۱۳۸۴: ۲۵۵).

مسالمت‌آمیز بودن و دوری از خشونت در جریان اقدام به نافرمانی مدنی مورد توجه نظریه‌پردازان و کنشگران این حوزه است. این ویژگی نافرمانی مدنی در بستر جنبش‌های اجتماعی آنقدر برجسته است که تعریف کنش نافرمانی مدنی اغلب حول این محور صورت می‌گیرد. گاندی، از پدران نافرمانی مدنی، شیوه اقدام خود را براساس این ویژگی سازماندهی کرد. از دیدگاه گاندی «نافرمانی مدنی، از ابزارهای اصلی مبارزه عاری از خشونت است. نافرمانی مدنی را افراد، گروه‌ها و جنبش‌های توده‌وار می‌توانند به کار گیرند. نافرمانی مدنی در حقیقت شورش عاری از خشونت است» (کینگ، ۱۳۹۴: ۲۱۶-۲۱۵).

به این ترتیب در زمینه جنبش‌های اجتماعی می‌توان نافرمانی مدنی را به‌عنوان ماهیت تعدادی از شیوه‌های اقدام و کنش‌های معترضان و فعالان در جنبش‌ها تلقی کرد. ویژگی‌های اعتراض سیاسی، عمومی و آگاهانه بودن به‌همراه قانون‌شکنی، خصوصیتی هستند که برای تعریف نافرمانی مدنی اغلب از سوی دانشوران پذیرفته شده‌اند. ویژگی عدم خشونت را تعداد زیادی از کنشگران و نظریه‌پردازان جنبش‌های اجتماعی اصلی کلی در جریان بروز نافرمانی مدنی تلقی می‌کنند. به باور این پژوهش برای شناسایی مصادیق نافرمانی مدنی در جریان جنبش‌های اجتماعی نخست باید شیوه‌های اقدام استفاده شده توسط کنشگران را شناسایی کرد و سپس به تطابق هر شیوه اقدام با ویژگی‌های ذکرشده نافرمانی مدنی، مبادرت ورزید. از این منظر پرداختن به گونه‌شناسی شیوه‌های اقدام در خلال جنبش‌های اجتماعی ضروری می‌نماید.

گونه‌شناسی شیوه‌های اقدام در جنبش‌های اجتماعی

آنتونی گیدنز^۳ جنبش‌های اجتماعی را چنین تعریف می‌کند: «جنبش‌های اجتماعی را می‌توان

1. Donatella Della Porta
2. Mario Diani
3. Anthony Giddens

کوشش جمعی برای پیشبرد منافع مشترک، یا تأمین هدفی مشترک، از طریق عملی جمعی خارج از حوزه نهاد‌های رسمی تعریف کرد» (گیدنز، ۱۳۷۸: ۶۷۲-۶۷۱). اقدامات و کنش‌های صورت‌گرفته در جریان جنبش‌های اجتماعی از مسائل مورد توجه پژوهشگران این حوزه است. تاکتیک‌های مورد استفاده به وسیله جنبش‌های اجتماعی برای اعتراض، منظر عمومی جنبش‌های اجتماعی را نشان می‌دهند، به نحوی که گاهی، این جنبش‌ها به علت تاکتیک‌هایشان به یاد آورده می‌شوند، تا اهدافشان.

چارلز تیلی^۱ در جریان شرح تاریخ شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی در توضیح اجزای تشکیل‌دهنده آن، مفهوم خزانه (چنته) جنبش را مطرح می‌کند که ناظر بر شیوه‌های اقدام مورد استفاده در خلال جنبش‌های اجتماعی است.

«استخدام ترکیب‌هایی از میان شکل‌های کنش سیاسی مانند ایجاد انجمن‌ها و ائتلاف‌های دارای مقاصد خاص، میتینگ‌های عمومی، رژه‌های رسمی، شب‌زنده‌داری‌ها، راهپیمایی‌ها، تظاهرات، تهیه دادخواست، صدور بیانیه‌هایی به رسانه‌های جمعی یا انتشار آنها در رسانه‌ها و چاپ جزوات، مجموعه متنوع این اقدامات «خزانه یا چنته جنبش اجتماعی»^۲ نامیده می‌شود» (تیلی، ۱۳۸۹: ۲۸-۲۷). وی دو نوع خزانه (چنته) را در جنبش‌ها شناسایی می‌کند: خزانه متصلب^۳ و خزانه انعطاف‌پذیر^۴ (تیلی، ۱۳۸۸: ۲۲۷-۲۲۶). تیلی به طور کلی عوامل مؤثر بر حضور و تغییر خزانه جنبش را چنین برمی‌شمرد: «۱. استانداردهای حقوق و عدالت مسلط در میان مردم؛ ۲. امور روزمره مردم؛ ۳. سازمان داخلی مردم؛ ۴. تجربه انباشت یافته حاصل از کنش‌های جمعی پیشین؛ ۵. الگوی سرکوب در جهانی که مردم به آن تعلق دارند» (همان: ۲۲۸).

بحث و بررسی

۱. نافرمانی مدنی در جنبش تنباکو (۱۲۷۰-۱۲۶۹ ه.ش)

براساس یافته‌های این پژوهش، معترضان به امتیازنامه رژی از شیوه‌های اقدامی چون نگارش و ارسال دادنامه، نشر اعلامیه و شب‌نامه، چاپ مقاله در روزنامه‌ها، تجمع و تحصن، صدور حکم تحریم و تحریم، استفاده کرده‌اند؛ بنابراین خزانه جنبش تنباکو متشکل از اقدامات مذکور بوده است.

در جریان جنبش تنباکو، بایکوت یا تحریم به عنوان مؤثرترین و مهم‌ترین شیوه اقدام از سوی کنشگران جنبش مورد بهره‌برداری قرار گرفته است، به طوری که این جنبش را با نام «جنبش تحریم تنباکو» می‌شناسند. این بایکوت‌ها صورت‌های گوناگونی به خود گرفت و بیش

1. Charles Tilly
2. Social movement repertoire
3. Rigid repertoire
4. Flexible repertoire

از همه، مبتنی بر احکام صادره از سوی پیشوایان مذهبی بوده است. این تحریم‌ها به‌طور کلی دارای سه شکل عمده بوده است: بایکوت کردن همکاری با شرکت رژی، نجس شمردن تنباکو و توتون در اثر تماس با دست اجانب و مهم‌تر از همه تحریم استعمال توتون و تنباکو مبنی بر حکم منسوب به میرزای شیرازی (کدی، ۱۳۵۸: ۱۲۵؛ ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۸۴: ۱۲). مهم‌ترین تحریم صورت‌گرفته در جریان ماجرای تنباکو، تحریم استعمال توتون و تنباکو یا «شرب دخان» است. صدور حکم این تحریم ابتدا توسط علمای اصفهان صورت گرفت و پس از آن با انتشار حکم منسوب به میرزای شیرازی جنبه عمومی یافت و به تمام نقاط ایران نیز سرایت کرد. با وجود منع حکومت در مقاطعی، عموم مردم به تکثیر و پخش حکم تحریم پرداختند. «به‌طوری‌که معروفست در همان نصف روز (پس از صدور حکم تحریم) در حدود صد هزار نسخه از حکم میرزای شیرازی نوشته شد» (تیموری، ۱۳۶۱: ۱۰۴). تلاش‌های دیگری نیز صورت گرفت، از جمله می‌توان به تلاش برای بایکوت کردن بانک شاهی که امتیاز آن در اختیار انگلیسی‌ها بود، اشاره کرد که البته ناکام ماند. «تجار فارس درصدد ایجاد بانک ایرانی و تحریم بانک شاهی برآمدند» (آدمیت، ۱۳۶۰: ۲۴).

در زمینه تطابق شیوه اقدام تحریم با ویژگی‌های نافرمانی مدنی می‌توان متذکر شد که اقدام به تحریم یک کنش عمومی و همگانی بوده است. برای نمونه «فوریه» از تعجیبی که در اثر اعمال قاطعانه بایکوت چه در دربار تهران و چه در سفارت انگلستان احساس می‌شد، خبر می‌دهد (الگار، ۱۳۶۹: ۳۱۸). این حکم موجب شد که حتی عده‌ای از تجار ذخیره توتون و تنباکوی خود را نابود کنند. یکی از تجار معتبر، شبانه ۱۲ هزار کیسه تنباکوی خود را به محل وسیعی می‌برد و نفت زیادی روی آن می‌ریزد و آنها را آتش می‌زند، صبح که انگلیسی‌ها می‌آیند جز مشتی خاکستر نمی‌یابند (تیموری، ۱۳۶۱: ۷۹). تحریم، شیوه اقدامی آگاهانه و اعتراض سیاسی در برابر قانونی منجر به سلطه بیگانگان بوده است. اگرچه تلاش برای تأمین منافع صنفی قشر بازرگان، به‌عنوان یکی از نیروهای فعال در این جریان را نباید از نظر دور داشت. اقدام به تحریم، شیوه اقدامی عاری از خشونت بوده است. اصل عمل تحریم تنباکو را می‌توان با تحریم کالاهای انگلیسی در هندوستان توسط گاندی مقایسه کرد. در زمینه ویژگی نقض قانون، اجباری برای استعمال دخانیات وجود نداشته است. اما پس از صدور حکم تحریم، ناصرالدین‌شاه از میرزای آشتیانی خواست تا به کشیدن قلیان اقدام کند تا به این وسیله حکم تحریم توسط یک پیشوای مذهبی نقض گردد، که وی ضمن اجتناب از چنین اقدامی، حتی آمادگی خود را برای ترک تهران نیز اعلام کرد (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۸۴: ۱۲). پژوهشگران چنین رفتاری را نقض فرمان حکومتی و در تقابل آشکار با خواست مرجع قدرت، تلقی می‌کنند. آدمیت در توصیف جریان تنباکو از زبان ناصرالدین‌شاه به‌عنوان مرجع قدرت می‌نویسد:

«چنین آغاز شد، نخستین اعتصاب با محتوای سیاسی‌اش که به تعبیر شاه، به صورت یک شورش و نافرمانی ساکت و پنهانی ظاهر گشت و این اندیشیده‌ترین وصفی است از آن حرکت در مرحله فعلی آن» (آدمیت، ۱۳۶۰: ۷۷).

۲. نافرمانی مدنی در انقلاب مشروطه (۱۲۸۵-۱۲۸۴ ه.ش)

براساس بررسی‌های این پژوهش، در فرایند جنبش مشروطه شیوه‌های اقدامی چون بست‌نشینی، اعتصاب، فعالیت مطبوعاتی، چاپ و نشر اعلامیه و شب‌نامه، نگارش دادنامه و تشکیل انجمن‌های مخفی مورد استفاده کنشگران قرار گرفت؛ مجموعه این شیوه‌های اقدام خزانه جنبش انقلاب مشروطه را شکل داد.

در این میان عمده‌ترین شیوه اقدام بست‌نشینی یا تحصن بوده است. «با شروع نهضت انقلابی در کشور، از بست‌نشینی که اسلحه برنده‌ای در دست توده‌ها محسوب می‌شد، استفاده شایانی به عمل آمد و بست‌نشینی‌های پر دامنه‌ای آغاز گردید» (معمار، ۱۳۸۶: ۲۲۶). از بهار ۱۲۸۴ تا تابستان ۱۲۸۵، سه دسته اعتصاب همراه با اعتراض، گاه مقارن هم، در تهران، حرم عبدالعظیم حسنی و قم در گرفت. هر اعتصاب عده بیشتری را به خود جلب کرد؛ ایده‌های اولیه عدالتخانه و حکومت انتخابی گسترش یافت و در نهایت این امر به تشکیل نهاد دموکراتیک بسیار وسیع‌تری، در قالب مجلس منتهی شد (آفاری، ۱۳۷۹: ۷۸).

یرواند آبراهامیان در توصیف بست‌نشینی می‌نویسد: «بست‌نشینی نوعی اعتراض بود که به چانه‌زنی دسته‌جمعی شباهت داشت» (آبراهامیان، ۱۳۷۶: ۶۰). این توصیف بر ماهیت سیاسی و اعتراضی عمل بست‌نشینی در جریان انقلاب مشروطه تأکید دارد. اعتراض سیاسی از ویژگی‌های نافرمانی مدنی تلقی می‌شود. تا پیش از آن زمان، بست‌نشینی راه فراری از فشار حکومت و مجازات تلقی می‌شد و ماهیت سیاسی نداشت. ناظم‌الاسلام کرمانی در مقدمه بحث تحصن در باغ سفارت انگلستان به این نکته اشاره می‌کند: «در ایران معمول و مرسوم است هنگامی که یک یا جماعتی در فشار حاکم یا پادشاه واقع شوند، پناه به خانه بزرگان می‌برند و یا به مکان مقدس پناهیده می‌شوند، خواه آن متحصن ظالم باشد، خواه مظلوم» (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۸۴: ۴۲۹). تحصن‌های صورت‌گرفته در جریان انقلاب مشروطه نیز برای جلوگیری از اعمال خشونت کارگزاران حکومتی بوده است، اما این تحصن‌ها، رفته‌رفته شکل اعتراض‌آمیز به خود گرفت و با تبدیل شدن به شیوه اعتراض سیاسی، وارد خزانه جنبش کنشگران ایرانی شد.

تا پیش از این دوره بست‌نشینی نقض قانون یا فرمان حکومتی به‌شمار نمی‌رفت، اما در جریان بست‌نشینی‌های انقلاب مشروطه در برهه‌ای «عمال حکومتی اقدام به محاصره بست‌نشینیان در مسجد آدینه کردند و مانع از رسیدن مایحتاج روزانه به آنها شدند» (کسروی،

۱۳۵۷: ۱۰۴). این موضوع خود بیانگر ممنوعیت این بست‌نشینی‌ها از سوی حکومت بوده است، بدین معنا که انجام این تحصن‌های خاص یک فرمان حکومتی را نقض کرده و عملی برخلاف خواست حکومت از سوی کنشگران انجام گرفته است، که با ویژگی نقض قانون نافرمانی مدنی رابطه نزدیکی دارد. همچنین در تطبیق بست‌نشینی با ویژگی‌های دیگر نافرمانی مدنی، براساس بررسی‌های این پژوهش عمل بست‌نشینی کنش‌عاری از خشونت بوده است. به‌طور کلی بست‌نشینیان دست به اعمال خشونت‌بار نمی‌زدند، زیرا اماکن انتخاب‌شده برای بست‌نشینی معمولاً از اماکن مقدس بود و حفظ حریم این اماکن از لحاظ مذهبی اهمیت داشته است.

بست‌نشینی شیوه اقدام عمومی بود. ملک‌زاده و کسروی تعداد متحصنان در مهاجرت صغری را دو هزار تن ذکر می‌کند (کسروی، ۱۳۵۷: ۶۷؛ ملک‌زاده، ۱۳۸۳: ۲۷۲). «در ۳۰ ژوئیه [۷ مرداد ۱۲۸۵] تعداد متحصنان باغ سفارت به دوازده هزار نفر و در ۲ اوت [۱۱ مرداد ۱۲۸۵] به چهارده هزار نفر رسید، که این تقریباً معادل یک‌سوم نیروی کار تهران بود» (آفاری، ۱۳۷۹: ۸۴-۸۱). این موضوع نشان از عمومی بودن بست‌نشینی‌ها دارد. آن‌گونه که ذکر شد، عمومی بودن از ویژگی‌های نافرمانی مدنی است.

بنابراین اقدام به تحصن که به‌طور گسترده در جریان انقلاب مشروطه به‌کار رفته، در تطابق با معیارهای نافرمانی مدنی از شاخص‌هایی چون عمومی بودن، آگاهانه بودن و غیرخشونت‌آمیز بودن برخوردار است. در مورد ویژگی نقض قانون، انجام تحصن به‌سبب ماهیت اعتراضی که پیدا کرد، خلاف خواست حکومت بوده است.

۳. نافرمانی مدنی در نهضت ملی شدن صنعت نفت (۱۳۳۲-۱۳۲۹ ه.ش)

پژوهش حاضر با بررسی کنش‌های صورت‌گرفته در جریان نهضت ملی، شیوه‌های اقدامی چون تحصن، اعتصاب، فعالیت مطبوعاتی، گردهمایی، تظاهرات و ترور را به‌عنوان شیوه‌های اقدام موجود در خزانه این جنبش، شناسایی کرده است.

از منظر این پژوهش، اعتصاب و کنش‌های خیابانی (شامل تظاهرات‌ها و گردهمایی‌ها) تأثیرگذارترین شیوه‌های اقدام در دوران جنبش ملی شدن صنعت نفت بوده‌اند. اعتصاب از نیمه دهه بیست خورشیدی به شیوه اقدامی مؤثر در جریان منازعات اجتماعی ایران تبدیل شد و در طول نهضت ملی از سوی کنشگران به‌طور گسترده به‌کار رفت.

کنش‌های سیاسی کارگری در طول دهه بیست، متأثر از فضای سیاسی نسبتاً باز آن دوران به اوج خود رسید. بشیریه در این مورد می‌نویسد: «فعالیت‌های سیاسی جنبش و اتحادیه‌های کارگری در دهه ۱۳۲۰ با هدایت حزب توده به اوج خود رسید. طبقه کارگر صنعتی ایران در

آن دوران بیشتر در صنایع نفت، نساجی و افزارمندی اشتغال داشت. در واکنش به بسیج کارگری به‌وسیله حزب توده، دولت در سال ۱۳۲۵ وزارت کار را تأسیس کرد تا با ایجاد اتحادیه‌های کارگری دولتی، از نفوذ رو به گسترش اتحادیه‌های وابسته به حزب توده بکاهد» (بشیریه، ۱۳۸۶: ۱۹۲). روند اعتصاب‌های گستردهٔ اسفندماه ۱۳۲۹ و فروردین و اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۰ در ابتدا، در واکنش به عدم پرداخت کمک‌هزینهٔ مسکن به کارکنان ایرانی شرکت نفت ایران و انگلیس در خوزستان آغاز شد (نجاتی، ۱۳۶۹: ۱۳۷). «این اعتصاب گسترده‌تر شد، چنانکه در ۱۱ فروردین ۱۳۳۰ بیشتر از ۴۵ هزار نفر از کارکنان شرکت نفت در اعتصاب بودند» (آبراهامیان، ۱۳۷۶: ۲۳۰).

این اعتصاب در تسهیل روند ملی شدن صنعت نفت نقش مؤثری داشت. آبراهامیان به نقل از مصطفی فاتح، بلندپایه‌ترین کارمند ایرانی شرکت نفت ایران و انگلیس، میزان اهمیت این اعتصاب را چنین توصیف می‌کند: «اعتصاب مورد بحث کشور را تا مرز ملی کردن نفت و انتخاب مصدق به نخست‌وزیری پیش راند و بدین‌وسیله منجر به این هر دو رویداد شد» (آبراهامیان، ۱۳۹۳: ۱۰۵). از منظر تطابق اعتصاب با ویژگی‌های نافرمانی مدنی، این گفته بیانگر آگاهانه و هدفمند بودن استفاده از این شیوهٔ اقدام است.

در زمینهٔ تطابق شیوهٔ اقدامی اعتصاب با ویژگی عمومی بودن نافرمانی مدنی، باید متذکر شد که حجم چشمگیری از کنشگران اجتماعی در دفعات متعدد از این شیوهٔ اقدام استفاده کرده‌اند که این موضوع بیانگر عمومی بودن این شیوهٔ اقدام است. «تعداد اعتصاب‌ها از چهار و پنج مورد در سال ۱۳۲۷ تا ۱۳۲۹ به ۴۲ مورد در سال ۱۳۳۰ و ۵۵ مورد در سال ۱۳۳۱ و ۷۱ مورد در هشت‌ماههٔ اول سال ۱۳۳۲ رسید» (علم و کاشانی، ۱۳۹۳: ۳۸).

از لحاظ ویژگی نقض قانون، «در نظام حقوقی ایران، بررسی قوانین قبل و بعد از انقلاب، حکایت از آن دارد که حق اعتصاب در هیچ‌یک از متون قانونی، به‌صراحت شناسایی و تضمین نشده است» (یاوری و تنگستانی، ۱۳۹۳: ۱۱۶). بنابراین اعتصاب کنشی ناقض قانون به‌شمار می‌رود. در زمینهٔ خشونت‌آمیز بودن نیز اعتصاب‌ها اغلب اعمالی عاری از خشونت‌اند. اگرچه اعتصاب‌های صنعت نفت در خوزستان از طرف نیروهای دولتی یا عشایر (نه معترضان و اعتصاب‌کنندگان) به خشونت کشیده شد (نجاتی، ۱۳۶۹: ۱۳۷). این اعتصاب‌ها به مراکز صنعتی و کارخانه‌ها محدود نبود، بازاریان و اصناف نیز در طول مبارزات نهضت ملی شدن صنعت نفت به اعتصاب و تعطیل بازار دست زدند (صابری و شیخ‌نوری، ۱۳۹۱: ۶).

براساس یافته‌های این پژوهش، شیوه‌های اقدامی چون گردهمایی، تظاهرات و راهپیمایی یا به‌طور کلی کنش‌های خیابانی در دوران نهضت ملی بسیار رایج بوده است. مؤثرترین و مهم‌ترین واقعه‌ای را که طی آن از شیوهٔ اقدام برپایی تظاهرات خیابانی استفاده شد، می‌توان

واقعه ۳۰ تیر ۱۳۳۱ برشمرد. پس از استعفای مصدق از مقام نخست‌وزیری، به‌علت رد پیشنهاد وی از سوی شاه برای تصدی وزارت جنگ و اعلام نخست‌وزیری احمد قوام، کنش‌های خیابانی به اوج خود رسید. «به‌طور کلی از ۲۶ تیر تا ۳۱ تیر ۱۳۳۱ شاهد کنش‌های جمعی به شکل تعطیل بازار، ایجاد ناآرامی و ابراز مخالفت در خیابان و اعتصاب در کارخانه‌ها، سیل تلگراف از شهرستان‌ها، و سپس از بیست‌وهشتم تیرماه تظاهرات عظیم در تهران و برخی شهرهای دیگر مانند آبادان بوده‌ایم» (یوسفیان آرانی، ۱۳۹۴: ۲۱۱).

از منظر تطابق ویژگی‌های نافرمانی مدنی با این شیوه‌های اقدام، این کنش‌ها به‌صورت آگاهانه و در راستای تحت تأثیر قرار دادن نیروهای رقیب و حاکمیت در عرصه سیاسی به‌کار می‌رفته است. آبراهامیان خیابان‌ها را مرکز قدرت جبهه ملی توصیف می‌کند و به نقل از روزنامه اطلاعات می‌نویسد: «مصدق همواره به تظاهرات خیابانی متوسل می‌شد تا مخالفان را زیر فشار قرار دهد و در نتیجه مجلس را زیر نفوذ خود درآورد» (آبراهامیان، ۱۳۸۴: ۳۲۹).

کنش‌های خیابانی، کنش‌هایی هستند که با بسیج طرفداران یک حزب یا گروه سیاسی صورت می‌پذیرند. برخوردهای صورت‌گرفته از سوی قوای نظامی و انتظامی نشان از غیرقانونی بودن چنین تجمعاتی از دیدگاه حکومت دارد. کنش‌های خیابانی اواخر دهه بیست و اوایل دهه سی، اغلب کنش‌هایی خشونت‌بار بودند که به درگیری طرفداران احزاب مختلف با یکدیگر یا با قوای انتظامی منجر شد. محمدعلی موحد در کتاب *خواب آشفته نفت* به نقل از کاظم حسینی، یکی از شاهدان عینی واقعه ۳۰ تیر می‌نویسد: «در نتیجه تصادم تظاهرکنندگان با قوای نظامی، زدوخورد خونینی درگرفت» (موحد، ۱۳۸۴: ۴۹۲). «در پی سقوط قوام شهربانی کل کشور طی انتشار گزارشی، شمار کشته‌شدگان واقعه سی تیر در تهران را ۲۱ نفر و مجروحان را ۴۱ نفر اعلام کرد. در اسناد دیگری، شمار کشته‌شدگان در سراسر کشور ۶۳ و مجروحان ۱۳۳ نفر گزارش شده است» (شوکت، ۱۳۸۶: ۲۹۳).

۴. نافرمانی مدنی در انقلاب اسلامی (۱۳۵۷-۱۳۵۶ ه.ش)

کنشگران در جریان انقلاب اسلامی از شیوه‌های اقدامی چون راهپیمایی، اعتصاب، ارسال نامه سرگشاده، پخش اعلامیه و نوارکاست، تلاش برای ایجاد تمرد در میان ارتشیان، به‌کار بردن پوشش اسلامی توسط زنان و اقدام مسلحانه استفاده کرده‌اند؛ از این‌رو خزانه جنبش این جنبش اجتماعی مشتمل بر شیوه‌های اقدام ذکر شده است.

راهپیمایی و اعتصاب دو شیوه اقدام عمده به‌کاررفته در جریان انقلاب اسلامی بوده است (کشاوری شگری و فرهادی ۱۳۹۰: ۱۰۳). از لحاظ تطابق شیوه اقدام تظاهرات و راهپیمایی اعتراضی (کنش خیابانی) با ویژگی‌های نافرمانی مدنی، آمار موجود در مورد شمار شرکت‌کنندگان در راهپیمایی‌ها حاکی از عمومی بودن آنهاست. اشرف در تحلیل خود، رقم یک‌میلیون و چهارصد

هزار نفر را به‌عنوان تعداد افراد درگیر در مرحله تظاهرات توده‌ای ذکر کرده است (اشرف و بنوعیزی، ۱۳۹۳: ۱۸۹). از جنبه آگاهانه بودن، قطعنامه‌هایی که در پایان هر راهپیمایی اغلب قرائت می‌شدند، بیانگر خواست‌ها و اهداف تظاهرکنندگان بودند و نشان از آگاهانه بودن این شیوه اقدام دارند. تحلیل محتوای ۱۷۶ قطعنامه صادرشده در شش‌ماهه پایانی رژیم پهلوی خواست‌هایی چون «تأکید بر رهبری امام خمینی (ره)»، «برچیده شدن نظام سلطنتی»، «برکناری دولت و انحلال مجلسین»، «حمایت از دولت موقت»، «لغو قوانین ضد اسلامی» و «محکوم کردن کشتار مردم» را مهم‌ترین خواست‌های معترضان نشان می‌دهد (حسن‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۶).

از جنبه عمومی بودن این شیوه اقدام، اشرف و بنوعیزی در پژوهش خود در زمینه روش‌های بسیج توده‌ها در انقلاب ایران از ۲۴۸۳ مورد تظاهرات کوچک و بزرگ در مراحل مختلف انقلاب یاد می‌کنند. در زمینه ساماندهی این اعتراضات خیابانی نیز ۶۴ درصد از کل تظاهرات را اتحاد روحانیت و بازار، ۲۳ درصد را دانش‌آموزان، دانشجویان و فرهنگیان و ۱۳ درصد باقی‌مانده را دیگر گروه‌ها، مانند دهقانان (۲ درصد)، کارگران صنعتی (۱ درصد) و کارمندان بخش دولتی (۱ درصد) بر گزار کرده‌اند (اشرف و بنوعیزی، ۱۳۹۳: ۱۹۳-۱۹۲).

از منظر ویژگی عدم کاربرد خشونت، راهپیمایی‌ها و اعتراضات خیابانی صورت‌گرفته در خلال سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ را می‌توان به دو گروه عمده خشونت‌بار و غیرخشونت‌بار تقسیم کرد. منظور از راهپیمایی‌های خشونت‌بار راهپیمایی‌هایی هستند که از طرف معترضان همراه با خشونت و حمله به اماکن عمومی و تخریب اموال بوده است. نیکی کدی^۱ تظاهرات ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ در تبریز را چنین توصیف می‌کند: «در تظاهراتی که در ماه فوریه (بهمن) در تبریز اتفاق افتاد، تعداد زیادی از بانک‌ها و سینماها مورد حمله و تخریب واقع شدند» (کدی، ۱۳۷۷: ۳۵۹).

اما دسته دیگری از راهپیمایی‌ها، تظاهراتی بودند که بدون اعمال خشونت از طرف تظاهرکنندگان (و حتی در بعضی مواقع بدون خشونت قوای نظامی و انتظامی) صورت پذیرفتند. مهم‌ترین و مؤثرترین راهپیمایی‌های صورت‌گرفته در خلال انقلاب در این دسته جای می‌گیرند. از جمله این راهپیمایی‌ها می‌توان به راهپیمایی‌های روزهای عید فطر، تاسوعا، عاشورا و اربعین سال ۱۳۵۷ اشاره کرد. «ماه رمضان در ۱۳ شهریور به پایان آمد و در تهران جمعیتی در حدود ۲۵۰ هزار نفر به خیابان‌ها آمدند و طی تظاهراتی آرام به سربازان مسلح گل دادند» (فوران، ۱۳۹۴: ۵۶۲). «راهپیمایی عظیم روز عاشورا در تهران به‌طور شایانی صلح‌آمیز بود. در شهرهای دیگر کشور به استثنای اصفهان، مشکلات کوچکی به‌بار آمد» (استمیل، ۱۳۷۸: ۲۱۷).

استفاده از شیوه اقدام اعتصاب در جریان انقلاب اسلامی، بسیار تأثیرگذار بود، به‌طوری‌که

مهندس مهدی بازرگان وقوع اعتصاب‌ها را ضربه کاری به پیکره رژیم شاه تلقی می‌کند (بازرگان، ۱۳۶۳: ۴۳). نخست اعتصاب‌هایی در کارخانه‌های نساجی مازندران، ماشین‌سازی تبریز، اتومبیل‌سازی تهران و در نیروگاه‌های شهرهای بزرگ به وجود آمد. سپس کمیته‌های اعتصاب در بزرگ‌ترین کارخانه‌ها و مؤسسه‌های دولتی پدیدار شد. سرانجام در مهر ۱۳۵۷، کارگران صنعت نفت دست به اعتصاب زدند (آبراهامیان، ۱۳۷۶: ۲۵۳).

از منظر تطابق این شیوه اقدام با ویژگی‌های نافرمانی مدنی، از لحاظ ویژگی آگاهانه بودن اعتصاب‌ها در ابتدا با خواست‌های صنفی همراه بودند، اما پس از مدتی با اوج‌گیری انقلاب در آذر و دی‌ماه ۱۳۵۷ خواست‌های سیاسی سرلوحه درخواست‌های اعتصاب‌کنندگان قرار گرفت. «شعارهای اعتصاب رفته‌رفته شامل خواسته‌های سیاسی می‌شد. مانند انحلال ساواک، آزادی زندانیان سیاسی و مشارکت نمایندگان کارکنان صنعت نفت در تصمیم‌گیری‌های مدیران... بین تمام اعتصاب‌ها که سراسر مملکت را گرفته بود، قاطع‌ترین و شکننده‌ترین اعتصاب، اعتصاب کارکنان صنعت نفت بود» (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۲: ۲۴۱-۲۴۰).

از جنبه عمومی بودن، ۱۱۹۵ مورد اعتصاب توده‌ای از مهرماه تا آبان ۱۳۵۷ رخ داد (اشرف و بنوعزیزی، ۱۳۹۳: ۱۹۳). گستردگی استفاده از شیوه اقدام اعتصاب چنان بود که جان فوران^۱ در توصیف وضعیت ایران در آذر و دی‌ماه ۱۳۵۷ می‌نویسد: «در آن هنگام سراسر ایران یکپارچه در اعتصاب عمومی سیاسی به سر می‌برد» (فوران، ۱۳۹۴: ۵۷۰).

از جنبه ویژگی نقض قانون، آنچه‌چنان که در مورد مبارزات منتهی به ملی شدن صنعت نفت ذکر شد، حق اعتصاب در هیچ‌یک از متون قانونی ایران به رسمیت شناخته نشده است. پس اعتصاب (به‌خصوص در محیط‌های صنعتی و اداری) کنش ناقض قانون است. اعتصاب‌های صورت‌گرفته در جریان انقلاب، اغلب کنش‌هایی به دور از خشونت بودند. به نوشته آبراهامیان «رژیم می‌توانست با زور خیابان‌ها را پاکسازی کند، اما نمی‌توانست بازارها و دانشگاه‌ها را مجبور به بازگشایی کند» (آبراهامیان، ۱۳۷۶: ۲۵۲).

نتیجه‌گیری

این پژوهش به‌منظور ایجاد چارچوبی مفهومی با هدف تطابق شیوه‌های اقدام به‌کارگرفته‌شده در جنبش‌های اجتماعی ایران معاصر (در خلال سال‌های ۱۲۶۹ تا ۱۳۵۷ شمسی) با مفهوم نافرمانی مدنی، به بررسی تعاریف ارائه‌شده از این مفهوم مبادرت ورزیده است. با توجه به وجود تعاریف گوناگون، پژوهشگران بر آن شدند تا وجوه اشتراک تعاریف مختلف را برای ایجاد چارچوبی عام به‌کار گیرند. از این‌رو ویژگی‌های اعتراض سیاسی، عمومی و آگاهانه

بودن، نقض قانون یا فرمان حکومتی و خشونت‌پرهیزی، به‌عنوان خصوصیات مشترک از تعاریف نافرمانی مدنی استخراج شد و معیار سنجش شیوه‌های اقدام مورد استفاده در جنبش‌های اجتماعی مورد مطالعه، قرار گرفت. نکته درخور توجه این است که ویژگی «اعتراض سیاسی» در مطالعه و بررسی شیوه‌های اقدام جنبش‌های اجتماعی، به‌عنوان مفروض در نظر گرفته شده است، چراکه هر اقدام سیاسی در جریان این جنبش‌ها از سوی کنشگران معترض را، می‌توان به‌عنوان عملی اعتراضی تلقی کرد.

به‌زعم پژوهشگران می‌توان دسته‌بندی دیگری نیز از نافرمانی مدنی ارائه داد: نافرمانی مدنی خاص (مبتنی بر نمونه آرمانی نافرمانی مدنی) و نافرمانی مدنی عام. نافرمانی مدنی عام، کنش‌های اعتراضی‌اند که دارای برخی ویژگی‌های معیار نافرمانی مدنی هستند و در عین حال حامل تمامی این خصوصیات نیستند. این دسته از کنش‌ها را می‌توان ذیل مفهوم نافرمانی مدنی عام مورد توجه قرار داد.

با توجه به نگاه و رویکرد مورد اشاره، شیوه‌های اقدام مورد استفاده کنشگران در چهار جنبش اجتماعی ایران معاصر (جنبش تنباکو، انقلاب مشروطه، ملی شدن صنعت نفت و انقلاب اسلامی) با هدف شناسایی شیوه‌های اقدام در بافتار هر جنبش بررسی شده است. از این‌رو، با هدف تطبیق هر شیوه اقدام با ویژگی‌های نافرمانی مدنی، پژوهشگران سعی در شاخص‌سازی هر ویژگی با توجه به اطلاعات به‌دست‌آمده از منابع و روایات‌های صورت‌گرفته از هر جنبش کرده‌اند.

در جریان جنبش تنباکو، تحریم (با ویژگی‌هایی چون عمومی و آگاهانه بودن و عدم به‌کارگیری خشونت)، مؤثرترین شیوه اقدام اتخاذشده از سوی کنشگران بوده، هرچند امتناع از مصرف توتون و تنباکو توسط عامه مردم، نقض صریح قانون یا فرمان حکومتی نبوده است؛ دارا بودن این ویژگی‌ها سبب شد تا این پژوهش، تحریم را به‌صورت نمونه‌ای از نافرمانی مدنی عام تلقی کند. مسئله دیگر استفاده از تحصن (به‌عنوان کنش اعتراضی و غیرخشونت‌آمیز) به‌مثابه کارسازترین شیوه اقدام، در جریان انقلاب مشروطه بوده است. تحصن‌های صورت‌گرفته در جریان انقلاب مشروطه که با ویژگی‌هایی چون عمومی، آگاهانه و مسالمت‌آمیز بودن همراه بود، با اینکه نقض صریح قانون یا فرمان حکومتی نبود، مصادقی از نافرمانی مدنی عام تلقی می‌شود. افزون بر این موارد، شیوه اقدام اعتصاب (به‌عنوان شیوه اقدامی که بیشترین همخوانی را با معیارهای نافرمانی مدنی دارد) در جریان نهضت ملی شدن صنعت نفت و انقلاب اسلامی به‌نحو گسترده‌ای استفاده شد. اعتصاب‌های صورت‌گرفته در جریان ملی شدن صنعت نفت و به‌خصوص در روند انقلاب اسلامی، کنش‌های فراگیر و عمومی، آگاهانه و غیرخشونت‌آمیز بوده‌اند.

راهپیمایی و تظاهرات که در این پژوهش از آنها به کنش‌های خیابانی تعبیر شده، شیوه اقدامی است که در جریان انقلاب اسلامی و نهضت ملی شدن صنعت نفت به‌طور گسترده استفاده شد. براساس یافته‌های این پژوهش، کنش‌های خیابانی و تظاهرات، از منظر عمومی بودن، از فراگیرترین شیوه‌های اقدام در جنبش‌های ایران معاصر است. ضمن اینکه، تظاهرات گاه به‌صورت مسالمت‌آمیز و گاه به‌صورت خشونت‌بار بروز کرده و بروز خشونت در جریان آنها از الگوی خاصی پیروی نکرده است. به‌نظر می‌رسد زمینه‌ی رویدادی وقوع هر تظاهرات به‌منظور بررسی این ویژگی (مسالمت‌آمیز یا خشونت‌بار بودن) باید مورد توجه قرار گیرد. با نگاهی کلی، استنتاج پژوهشگران این است که شیوه‌های اقدام مؤثر به‌کارگرفته‌شده در خلال جنبش‌های اجتماعی ایران معاصر دارای ویژگی‌های نافرمانی مدنی عام یعنی عمومی، آگاهانه، غیرخشونت‌آمیز و ناقض قانون بودن، هستند.

منابع و مآخذ

الف) فارسی

۱. آبراهامیان، پروانه (۱۳۸۴). *ایران بین دو انقلاب*. ترجمه احمد گل‌محمدی و محمدابراهیم فتاحی، چ یازدهم، تهران: نشر نی.
۲. ----- (۱۳۹۳). *کودتا*. ترجمه ناصر زرافشان، تهران: نگاه.
۳. ----- (۱۳۷۶). *مقالاتی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران*. ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران: شیرازه.
۴. آدمیت، فریدون (۱۳۶۰). *شورش بر امتیازنامه رژی*. تهران: پیام.
۵. آفاری، زانت (۱۳۷۹). *انقلاب مشروطه ایران ۱۹۱۱-۱۹۰۶*. ترجمه رضا رضایی، تهران: بیستون.
۶. استمپل، جان، دی. (۱۳۷۸). *درون انقلاب ایران*. ترجمه منوچهر شجاعی، تهران: خدمات فرهنگی رسا.
۷. اشرف، احمد؛ و بنوعزیزی، علی (۱۳۹۳). *طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران*. ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، چ سوم، تهران: نیلوفر.
۸. الگار، حامد (۱۳۶۹). *دین و دولت در ایران*. ترجمه ابوالقاسم سری، چ دوم، تهران: توس.
۹. بازرگان، مهدی (۱۳۶۳). *انقلاب ایران در دو حرکت*. چ پنجم، تهران: انتشارات دفتر نهضت آزادی ایران.
۱۰. بشیریه، حسین (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی*. چ چهاردهم، تهران: نشر نی.
۱۱. تیلی، چارلز (۱۳۸۸). *از بسیج تا انقلاب*. ترجمه علی مرشدی‌زاد، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۱۲. ----- (۱۳۸۹). *جنبش‌های اجتماعی ۲۰۰۴-۱۷۶۸*. ترجمه علی مرشدی‌زاد، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۱۳. تیموری، ابراهیم (۱۳۶۱). *تحریم تنباکو*. چ سوم، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
۱۴. ثورو، هنری دیوید (۱۳۹۴). *«نافرمانی مدنی» در نافرمانی مدنی*. ترجمه و گردآوری غلامعلی کشانی، تهران: قطره.
۱۵. حسن‌زاده، اسماعیل (۱۳۷۷). «تحلیل محتوای قطع‌نامه‌های دوره انقلاب»، *جامعه‌شناسی ایران*، ش ۳۰، ص ۳۸-۳.
۱۶. دلاپورتا، دونالد؛ و دیانی، ماریو (۱۳۸۴). *مقدمه‌ای بر جنبش‌های اجتماعی*. ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: کویر.
۱۷. رحمانی، تورج؛ و مختاری، علی (۱۳۹۴). «نافرمانی مدنی؛ ایده‌ای برای عبور از بن‌بست نظری لیبرالیسم»، *پژوهش سیاست نظری*، ش ۱۸، ص ۱۰۰-۷۹.
۱۸. شوکت، حمید (۱۳۸۶). *در تیررس حادثه: زندگی سیاسی قوام‌السلطنه*. چ دوم، تهران: اختران.
۱۹. صابری، شیدا؛ و شیخ‌نوری، محمدمیر (۱۳۹۱). «بازار و نهضت ملی شدن صنعت نفت»، *پژوهش‌های تاریخی*، دانشکده

- ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، سال چهارم، ش ۱۵، ص ۱۲-۱.
۲۰. علم، محمدرضا؛ و کاشانی، سکینه (۱۳۹۳). «بررسی اعتصابات کارگران شرکت نفت ایران و انگلیس در تیرماه ۱۳۲۵ و پیامدهای آن»، *مجله تاریخ*، ش ۳۵، ص ۲۴-۴۲.
۲۱. فوران، جان (۱۳۷۸). *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران*، ترجمه احمد تدین، تهران: خدمات فرهنگی رسا.
۲۲. کدی، نیکی آر. (۱۳۵۸). *تحریم تنباکو در ایران*، ترجمه شاهرخ قائم مقامی، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
۲۳. ----- (۱۳۷۷). *ریشه‌های انقلاب ایران*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، ج دوم، تهران: قلم.
۲۴. کسروی، احمد (۱۳۵۷). *تاریخ مشروطه ایران*، تهران: امیرکبیر.
۲۵. کشاورز شکری، عباس؛ و فرهادی، احسان (۱۳۹۰). «بسیج منابع در انقلاب اسلامی ایران»، *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، ش ۵۳، ص ۱۰۷-۷۹.
۲۶. کینگ، مری الیزابت (۱۳۹۴). *مهاتماگاندی و مارتین لوتر کینگ: قدرت مبارزه عاری از خشونت*، ترجمه شهرام نقش تبریزی، ج دوم، تهران: نی.
۲۷. گیدنز، آنتونی (۱۳۹۳). *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران: نشر نی.
۲۸. معمار، رحمت‌الله (۱۳۸۶). «تحلیل جامعه‌شناختی از وقوع جنبش مشروطه در ایران»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه خوارزمی*، دوره ۱۵، ش ۵۹ و ۵۸، ص ۱۹۱-۲۴۰.
۲۹. ملک‌زاده، مهدی (۱۳۸۳). *تاریخ انقلاب مشروطه ایران*، ج ۱، تهران: سخن.
۳۰. موحد، محمدعلی (۱۳۸۴). *خواب آشفته نفت: دکتر مصدق و نهضت ملی ایران*، ج ۱، تهران: کارنامه.
۳۱. محبی، بهرام (۱۳۸۲). «جستاری درباره نافرمانی مدنی» در *نافرمانی مدنی*، (۱۳۹۴). گردآورنده غلامعلی کاشانی، تهران: قطره.
۳۲. ناظم‌الاسلام کرمانی، محمد (۱۳۸۴). *تاریخ بیداری ایرانیان*، ج هفتم، تهران: امیرکبیر.
۳۳. نجاتی، غلامرضا (۱۳۶۹). *جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۳۴. هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۷۲). *انقلاب ایران به روایت رادیو بی‌بی‌سی*، تهران: طرح نو.
۳۵. یوسفیان آرانی، جواد (۱۳۹۴). *بسیج منابع در نهضت ملی ایران*، تهران: آجا.
۳۶. یآوری، اسداله؛ و تنگستانی، محمد قاسم (۱۳۹۳). «درآمدی بر نظام حقوقی اعتصاب در بخش خصوصی فرانسه، انگلستان و ایران»، *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، سال شانزدهم، ش ۴۳، ص ۱۳۴-۱۰۹.

ب) خارجی

37. Cohen, Carl (1966). "Civil Disobedience and the Law", *Rutgers Law Review*, 21(1), 1-17.
38. Falcon Y Tella, Maria Jose (2004). "Civil Disobedience and Test Case", *Ratio Juris*, 17(3), 315-327.
39. Martin, Rex (1970). "Civil Disobedience", *Ethics*, 80(2), 123-139.
40. www.Oxforddictionaries.com